

نقش لرد کرزن در جلوگیری از نفوذ روسیه در خلیج فارس (دوره قاجار)

عباس سرافرازی^۱

چکیده

لرد کرزن یکی از سیاستمداران کهنه‌کار انگلیسی مدت‌ها به عنوان نایب‌السلطنه هند و بعد وزیر امور خارجه انگلیس انجام وظیفه نمود. وی یکی از کسانی بود که در خصوص خلیج فارس و تبدیل آن به یک دریای انگلیسی تعصب بسیار شدیدی داشت و اقدامات بسیاری را برای جلوگیری از نفوذ ایران و روسیه در خلیج فارس انجام داد وی دو مرتبه به ایران و خلیج فارس مسافرت نمود و اطلاعات بسیاری را در خصوص نواحی جنوبی و جزایر و بنادر ایران جمع‌آوری نمود و در سال ۱۹۰۳ م یک مسافرت گسترده‌ای با ده‌ها کشتی و ناو جنگی به خلیج فارس انجام داد که بسیاری از حکمرانان محلی و شیوخ مناطق جنوبی خلیج فارس برای اظهار ادب و اعلام تابعیت وارد کشتی وی شدند و بر تحت‌الحمایگی خود صحه گذاشتند اما علاءالدوله فرمانروای فارس حاضر به ورود به کشتی کرزن نگردید و به بهانه دوربودن بندرعباس به ملاقات وی نرفت. سیاست‌های مختلف کرزن در خلیج فارس و هدف اصلی وی دخالت در امور ایران و نظارت بر خلیج فارس و حفظ هندوستان و جلوگیری از فعالیت‌ها و به دست‌آوردن پایگاه در بنادر و جزایر خلیج فارس توسط رقبای اروپایی بود سیاست‌های کرزن در خلیج فارس و نقشی که ایرانیان ایفا کردند باعث دو نتیجه مهم شد یکی این‌که چون علاءالدوله به حضور وی نرفت وی در صدد برآمد با نزدیک‌شدن به روس‌ها و برای جلوگیری از نفوذ روسیه در خلیج فارس طرح تجزیه ایران را به مناطق تحت نفوذ که در قرارداد ۱۹۰۷ م عملی شد را اجرا کند نتیجه دیگر آن بود که او از ورود و نزدیک‌شدن روس‌ها به خلیج فارس جلوگیری نمود، چه بسا که اگر روس‌ها از طریق قهر و غلبه و تصرف به آب‌های گرم جنوب می‌رسیدند راندن آنان توسط ایرانیان کاری دشوار می‌گردید. روش تحقیق در این مطالعه تاریخی با استناد به منابع معتبر اسنادی و کتابخانه‌ای است.

کلید واژگان: لرد کرزن، ایران، خلیج فارس، روسیه.

۱- دانشیار گروه تاریخ و عضو هیأت علمی دانشگاه فردوسی مشهد، ab.sarafrazi@feadowsi.um.ac.ir

مقدمه

یکی از مقاصد پطرکبیر تزار روسیه دست‌یافتن به آب‌های آزاد و گرم خلیج فارس بود و از ابتدای سلطنت خود در این راه می‌کوشید وی در همین راستا اسماعیل اوری ارمنی را برای جمع‌آوری اطلاعات به ایران فرستاد. پطر وقتی از اوضاع داخلی دربار و حکومت شاه‌سلطان حسین صفوی آگاهی یافت درصدد برآمد در گام اول به ایالات ایران در قفقاز و ساحل جنوبی بحر خزر دست‌اندازی کند که با حمله محمود افغان به ایران پطر اعلامیه‌ای خطاب به اهالی قفقاز در ۱۵ ژوئن ۱۷۲۲ م / ۱۳۴۱ ق، صادر کرد و عنوان نمود هدف وی توسعه ارضی نیست بلکه منظور از لشکر-کشی حفظ منافع و جان اتباع روسیه است بنابراین به ایران حمله کرد (هوشنگ مهدوی، ۱۳۶۴ : ۱۳۲) و اولین قدم برای رسیدن به خلیج فارس برداشته شد این حمله دو اساس قانونی نیز یافته بود اول قراردادی تحمیلی بر اسماعیل‌بیک سفیر شاه طهماسب دوم که برای درخواست کمک به روسیه رفته بود و اختیاراتی داشت (۲۱ اوت ۱۷۲۳ / ۳۰ ذی القعدة ۱۱۳۵ ق)، روس‌ها از طریق انعقاد قراردادی با وی ایالت گیلان را از خود دانستند که هرگز شاه طهماسب قبول نکرد (نوائی، ۱۳۷۷ : ۲۴۲). اساس دیگر قرارداد تقسیم ایران توسط روسیه و عثمانی بود که در تاریخ ۲۴ ژوئن ۱۷۴۲ / ۱۱۳۴ ق انجام شد (لکهارت، ۱۳۶۸ : ۲۸۶). در این زمان نفس‌گیر ایرانیان را بخت خوش بود که پطر در هشتم فوریه ۱۷۲۵ م فوت کرد و بین جانشینان وی مشکلاتی بوجود آمد و از طرف دیگر نادرشاه افشار ظهور کرد که کمر همت برای خروج بیگانگان از ایران بسته بود، یکی از مسائلی که مصیبت‌های زیادی را برای ایران از پایان دوره صفویه به بعد رقم زد وصیت‌نامه پطر کبیر بود که اگر هم این وصیت‌نامه ساختگی باشد باز هم برای ایران مشکلاتی را بوجود آورد، در سال ۱۷۹۵ مهاجران لهستانی برای تحریک مردم فرانسه علیه روسیه، سندی را جعل نمودند با نام «وصیت‌نامه پطرکبیر». اعتقاد به درستی این سند به سرعت در میان ایرانیان ضد روس شایع شد. بر اساس این وصیت‌نامه، روسیه دو هدف را مخفیانه دنبال می‌کرد: یکی تحت کنترل درآوردن اروپا، و دیگری فتح ایران و دستیابی به آب‌های خلیج فارس (Ashraf, Ahmad, 1993 : 137).

نادر افشار با اخراج روس‌ها از ایران نقشه آنان را غیر عملی ساخت، پس از نادر در دوره زندیه چون انگلیسی‌ها در خلیج فارس حضور بیشتری پیدا کردند روس‌ها در مورد خلیج فارس تا مدتی منفعل بودند اما روی کارآمدن قاجارها شرایط بهتری را برای اهداف روس‌ها در خلیج فارس فراهم ساخت. بین ایران و روسیه دو دوره جنگ بر سر قفقازیه بوجود آمد که در ۱۵ اکتبر ۱۸۲۷ م / ۱۲۴۳ هـ ایران در جنگ دوم خود از روس‌ها شکست خورد و شهر تبریز سقوط کرد، انگلیسی‌ها که از پیشروی روس‌ها به طرف قزوین و تهران نگران شده بودند در صدد وساطت برآمدند، مکدونالد وزیر مختار انگلیس مداخله نمود و عهدنامه ترکمن‌چای با عجله و بدون مطالعه و دقت نظرامضاء

گردید که نتایج مصیبت‌باری برای ایران داشت. در انعقاد این عهدنامه دکتر جان مک نیل پزشک و مامور دیگر سفارت انگلیس نیز نقش داشت. بر اساس عهدنامه ترکمن‌چای (۱۸۲۳/م ۱۲۴۳ ق) نفوذ روس‌ها در ایران افزایش بی‌سابقه‌ای یافت و سرزمین‌های ماوراء رود ارس برای همیشه از ایران جدا شد و روس‌ها گام بزرگی را برای نزدیک‌شدن به خلیج فارس و تهدید هندوستان مستعمره انگلیس برداشتند، آنان برای دورنگهداشتن ایران از مرزهای غربی درگیری‌ها را به مرزهای شرقی کشور کشاندند و مسئله هرات اهمیت یافت و جنگ‌هایی بر سر هرات آغاز شد، از آن‌جا که تسلط ایران بر هرات از نظر انگلیسی‌ها، روس‌ها را به مرزهای هند نزدیک می‌ساخت آنان در صدد برآمدن برای شکست ایران نواحی جنوبی ایران و جزایر خلیج فارس را مورد تهاجم و تهدید قرار دهند، بنابراین در صدد تحکیم موقعیت خود در خلیج فارس برآمدند، جزایر جنوبی و برخی بنادر ایران دو مرتبه در دوره محمدشاه (۱۲۵ ق/۱۸۳۷ م) و ناصرالدین‌شاه (صفر ۱۲۷۳ ق/۱۸۳۷ م) تصرف شد و موقعیت انگلیسی‌ها در خلیج فارس بیشتر تثبیت گردید؛ به این ترتیب روابط سیاسی موقت ایران و انگلیس تبدیل به روابط دایمی گردید و به خاطر مسأله روسیه و مسأله شرق (عثمانی) دولت‌های بزرگ اروپای غربی و مرکزی توجهشان به ایران معطوف گردید (شمیم، ۱۳۴۲ : ۲۲۲)، دعوای ایران و انگلیس بر سر هرات عاقبت در دوره ناصرالدین‌شاه با انعقاد معاهده صلح پاریس (۱۸۵ م / ۱۲۷۳ ق) به ضرر ایران با از دست‌رفتن هرات و استقلال ظاهری افغانستان به پایان رسید. در این دوره جنگ‌های شدیدی بین ایران و نیروهای انگلیسی بر سر هرات در خلیج فارس بوقوع پیوست که داستان رشادت‌ها و از خودگذشتگی‌های مردم جنوب ایران شرح مفصلی می‌طلبد اما در نهایت خارک و بوشهر و نواحی دیگری تصرف گردید در همین سال قیام ۱۸۵۷ م در هند توسط سپاهیان هندی بوقوع پیوست که ایران می‌توانست به خوبی از آن استفاده کند که نکردند، این قیام آن قدر مهم بود و ایرانی‌ها از آن بی‌خبر و غافل که انگلیسی‌ها مجبور بودند بوشهر و جنوب ایران را تخلیه کنند و چه بسا معاهده پاریس انجام نمی‌شد و یا باج کمتری به انگلیس بدهند، لرد کرزن می‌نویسد: هدف ما کشورگشایی نبود، خود ایرانی‌ها که لااقل نگهداری بوشهر را از ناحیه ما انتظار داشتند از نرمش و ملایمت ما حیران ماندند و بعد چنین وانمود کردند که با قدرت و زور ما را از آنجا رانده‌اند (کرزن، ۱۳۶۷، ج ۲: ۷۳۷).

قیام سپاهیان در هند اثرات زیادی بر ایران داشت چون باعث افزایش حضور انگلیسی‌ها در ایران، تلاش برای ایجاد خط تلگراف دریایی و زمینی از خلیج فارس و نواحی جنوبی ایران و تجزیه بلوچستان به قسمت شرقی و غربی توسط انگلیسی‌ها شد. بعد از قیام ۱۸۵۷ م در هند انگلیسی‌ها در صدد برآمدن «کمربند امنیتی» گسترده‌ای را از مناطق و حکومت‌های دست‌نشانده که از لندن حرف‌شنوی داشته باشند از نپال و برمه آغاز کنند و آن را تا افغانستان و بلوچستان و خلیج فارس

ادامه دهند و یک دیوار حایل و حیاط خلوت بزرگ در اطراف هند ایجاد نمایند، به دنبال به دست آوردن موفقیت بزرگ در عهدنامه پاریس انگلیسی‌ها سلطه و اقتدار سیاسی نظامی و تجاری خود را در خلیج فارس به شدت ادامه دادند آنان در صدد برآمدند با استفاده از ضعف نفوذ نظامی ایران در جنوب و جزایر خلیج فارس استفاده نموده به استقلال‌طلبی برخی شیوخ عرب ساکن آن نواحی کمک نمایند و آنان را تابع سیاست خود در خلیج فارس گردانند، البته زمینه‌های دستیابی به این سیاست را از سال‌ها قبل تدارک دیده بودند اما پس از انعقاد عهدنامه پاریس این دخالت‌ها افزایش یافت. بر اثر هوشیاری موقت دربار ایران مجبور شدند حاکمیت ایران بر بحرین و سایر بنادر و جزایر جنوبی ایران را به رسمیت بشناسند، انگلیسی‌ها متوجه شدند برای کامروایی بیشتر باید در خلیج فارس مطالعات دقیق‌تر و بیشتری از بنادر و لارستان و بلوچستان و خلیج فارس داشته باشند. بر همین اساس عده کثیری از مأمورین زبده سیاسی انگلیسی در لباس‌های مختلف سرازیر ایران شدند، سرهنگ هنری پاتینجر، ژنرال کریستی، لرد کرزن، سرپرسی سایکس و ده‌ها نفر دیگر در لباس خبرنگار، تاجر اسب، عتیقه‌شناس، گیاه‌شناس، مهندس و زمین‌شناس و غیره وارد جنوب ایران و خلیج فارس شدند و مطالعات دقیق و گسترده را همراه با نقشه‌برداری‌ها انجام دادند. بر اثر مساعی این مأمورین انگلیسی‌ها امتیازات مهمی را در ایران به دست آوردند، سایکس از لیارد یک مأمور برجسته انگلیس نام می‌برد که در بین بختیاری‌ها به نام کاوش‌های علمی گردش می‌کرده و سفرنامه‌ای به انگلیسی نوشته است (سایکس ۱۳۶۳: ۲۸۶). حتی مأمور دیگر انگلیسی به نام لارد که در سال ۱۸۴۱ در سیستان به قتل رسید (همان: ۳۹۰). در سال ۱۸۷۰ م / ۱۲۸۷ ق یکی از این مأمورین به نام ژنرال گلداسمید که به نام سیم‌کش و مأمور تلگراف به نواحی جنوبی ایران و بلوچستان آمده بود موفق به تجزیه بلوچستان به دو منطقه بلوچستان شرقی و غربی گردید. قسمت‌های مهمی از نواحی ساحلی و بندری و پسابندری حوزه فعالیت انگلیسی‌ها شد. در همین سال گلداسمید سیستان اصلی را از نیزار واقع در شمال آن ایالت تا ملک سیاه کوه یعنی ناحیه‌ای که در غرب رود هیرمند قرار دارد با ۱۵۰۰ کیلومتر مساحت و ۴۵ هزار جمعیت به ایران داده شد و سیستان خارجی یعنی ناحیه‌ای که در شرق هیرمند واقع است را به افغانستان واگذار نمود (هوشنگ مهدوی، ۱۳۶۴: ۲۹۶). شخص دیگری به نام هنری پاتینجر سفرهایی را از هند آغاز کرد و نواحی بلوچستان و بنادر و شهرهای جنوبی ایران را مورد مطالعه قرارداد (پاتینجر ۱۳۸۷: مقدمه).

دو مأمور سیاسی که نقش برجسته‌تری در مورد جنوب ایران و خلیج فارس داشتند عبارت بودند از لرد جرج ناتانیل کرزن و سرپرسی سایکس که نزدیک به زمان هم فعالیت‌ها و اقداماتی را انجام دادند، کرزن دو مرتبه و سایکس شش مرتبه به ایران با مأموریت‌های متفاوت سفر کردند، آنان مطالعات خود را در قالب سفرنامه و کتاب منتشر نمودند گرچه هرکدام به نوعی در مطالعات

خلیج فارس‌شناسی کمک کردند اما بسیاری از گزارش‌های آنان در قالب گزارش‌های محرمانه هرگز چاپ و منتشر نشد و گرنه ابعاد مهم‌تری از اقدامات آنان در خلیج فارس آشکار می‌گردید. این دو با سیاست‌های متفاوتی که اجرا کردند باعث تغییرات عمده‌ای در خلیج فارس شدند که بسیاری از مسائل امروزه خلیج فارس ناشی از اقدامات آنان است.

معرفی لرد کرزن

لرد جرج ناتانیل کرزن دو مرتبه به ایران آمد وی اولین مرتبه در سال ۱۸۸۹ م / به عنوان خبرنگار به ایران مسافرت نمود. او جزو آخرین سیاستمداران انگلیسی است که افکار سیاستمداران قرن هجدهم را دنبال می‌کرد، این گروه سیاسیون انگلیس اعتقاد به استعمار کهن از طریق سلطه مستقیم نظامی داشتند. وی اشراف‌زاده و پدرش از اسقف‌های نامدار انگلیس بود، کرزن دارای القاب زیادی از قبیل لرد، مارکی، میسکونت، بارونو ارل بود این القاب از جمله القابی بود که به صاحبان قدرت اقتصادی و سرمایه تعلق می‌گرفت «کرزن دوران کودکی خود را تحت آموزش آموزگاری سخت‌گیر سپری کرد، این تجربه گرچه وی را دچار حقد و کینه ساخت اما از وی شخصیتی قدرت‌طلب بار آورد و در عین حال در شکوفایی نبوغ وی نیز به همان اندازه مؤثر بود و از همان ابتدا وی را دانش‌آموز و دانشجویی اهل مطالعه و کوشا تربیت کرد (نیکلسون، ۱۳۸۰: ۱۸). وی وابسته به حزب محافظه‌کار انگلیس بود و خیلی زود پایه‌های ترقی را پیمود و یکی از کارگزاران برجسته دولت انگلیس در هند گردید وی از اعضای فعال فراماسیونری انگلیس بود که در جذب دولت‌مردان انگلیس به لژهای ماسونی و شکل‌دهی به نخستین هسته‌های ماسونی در دوره فتحعلی‌شاه نقش فعالی ایفا کرد وی در نهایت چندین سال فرمانروا و نایب السلطنه هند گردید.

نظرات کرزن در مورد ایران

در میان سیاستمداران دولت انگلیس هیچ یک به اندازه لرد کرزن دشمن ایران نبودند، کرزن نماینده پر و پا قرص سیاستمداران ظالم و جابر و متعددی قرن نوزدهم انگلستان بود و همیشه در دوره زندگانی خود می‌کوشید ایران را دلیل و بیچاره کند وی از گروه انگلیسی‌هایی بود که سیاست جهانگیری را تعقیب می‌کردند. بقایای این رجال با همان فکر جهانگیری تا ۲۵ سال که از قرن بیستم گذشت در انگلستان حکومت می‌کردند، فقط جنگ جهانی اول و بروز افکار جدید باعث تحولاتی شد. هدف کرزن فقط ایران و خلیج فارس نبود بلکه وی آرزوی سیطره بر تمامی آسیا را در سر می‌پروراند. او علاقه مفروطی به هندوستان داشت و برای بقای سلطه انگلیس در آن کشور اقدامات بسیاری نمود، وی سرحدات هند را این‌چنین تعریف نمود «از دماغه امید نیک در جنوب

آفریقا تا جبل الطارق در شمال، از جبل الطارق تا نانکینک در ساحل شرقی چین، از نانکینک تا استرالیا و از آنجا تا دماغه امید این سرحد فرضی هندوستان انگلیس است (FaletineChirol, 1903: 24). کرزن ایران را از نظر حفظ هندوستان سرزمین خطرناکی فرض می‌کرد که اگر بلا و هجوم و حمله زمینی به هند صورت پذیرد از این ناحیه خواهد بود، وی در مورد ایرانیان نیز نظر مساعدی ندارد، زمانی که در سال ۱۹۰۳ م کرزن در سفر دوم خود با ناوهای متعدد جنگی به خلیج فارس وارد شد از لندن به هاردینگ وزیر مختار انگلیس در تهران دستور داده شد که در خلیج فارس با کرزن ملاقات کند او نیز در سفر خلیج فارس همراه کرزن بود. بعد از مراجعت به تهران در گزارشی در فوریه ۱۹۰۴ م به لرد لنزتون وزیر خارجه انگلیس می‌نویسد: رفتار من با ایرانی‌ها خیلی مؤدبانه است اما کرزن عقیده دارد ایرانی‌ها دروغگویان آسیایی هستند و باید خیلی تند و خشن با آنان رفتار کرد و ایرانی‌ها با هندوستانی‌ها متفاوتند و ما با سیاستمدارانی نیمه‌متمدن و پر غرور و پر ادعا سروکار داریم (محمود، بی‌تا، ج ۲۸۸/۶). کرزن اعتقاد داشت قسمت‌های شرقی ایران؛ سیستان، بلوچستان و خراسان باید تجزیه شوند که در نهایت این عمل توسط انگلیسی‌ها صورت پذیرفت، وی در صدد تقسیم ایران بود، او اعتقاد داشت روس‌ها به علت همجواری با ایران از نفوذ سنتی در ایران برخوردارند و اگر ایران را ضعیف ببینند دوباره حمله خواهند کرد و از طرفی امکان تسلط یکپارچه ما بر ایران نیز وجود ندارد بنابراین «برای ایجاد توازن قدرت باید ایران به مناطق نفوذ و کنترل و نظارت تقسیم شود چون این ملت وامانده و فرسوده است و حکومتش رو به زوال است و زوال آن در آینده غیر قابل اجتناب است، به این ترتیب وی طرح تقسیم ایران را در سال ۱۸۹۹ به دولت متبوع خود ارائه داد (ذوقی، ۱۳۶۸: ۱ / ۳۹) و عاقبت این طرح در سال ۱۹۰۷ م عملی و ایران به سه منطقه تحت نفوذ روسیه و انگلیس و بی طرف تقسیم گردید.

در بین سیاستمداران انگلیس به اندازه‌ای که کرزن برای بدبختی ایران در بریتانیا چانه‌زنی کرد و مشکلات برای ایران بوجود آورد هیچ کدام از دولت‌مردان انگلیسی اقدام نکردند وی پس از این که از هند رفت در سال‌های بعد و در دوره پایانی جنگ جهانی اول وزیر امور خارجه انگلیس شد و یکی از طراحان اصلی قرار داد مصیبت‌بار و ثوق‌الدوله موسوم به قرارداد ۱۹۱۹ م میلادی بود که چنانچه قیام مردم ایران علیه این قرارداد بوجود نمی‌آمد و روس و فرانسه و آمریکا علیه آن به مخالفت بر نمی‌خاستند برای مدت طولانی ایران را بصورت غیر رسمی زیر سلطه بریتانیا قرار می‌داد، چون پس از جنگ جهانی و «با خروج نیروهای روسی از ایران و شکست نیروهای محور، بریتانیا تبدیل به یگانه قدرت نظامی و اقتصادی در ایران شد، بریتانیای استعمارگر و به‌خصوص لرد کرزن که در این زمان وزیر امور خارجه آن کشور بود امیدوار بودند که سلطه خود را بر کشورهای تحت‌الحمایه گسترش دهند در سال ۱۹۱۹ م / ۱۲۹۸ ش انگلستان به مذاکره درباره عقد قرارداد

پرداخت که با رشوه‌دادن به نخست‌وزیر ایران (وثوق الدوله) و دو وزیر دیگر (صارم‌الدوله و فیروزمیرزا نصرت‌الدوله) امضاء شد که بریتانیا را تبدیل به یگانه تأمین‌کننده مستشاران و افسران خارجی، اسلحه، ارتباطات، حمل و نقل و وام به ایران می‌ساخت و در آن وعده تجدید نظر در تعرفه‌ها به سود بریتانیا داده شده بود. این قرارداد با توجه به پرداخت وام دو میلیون پوند استرلینگ باعث شد که به عنوان تحت‌الحمایه‌شدن ایران از سوی بریتانیا تفسیر شود (آوری، ۱۳۸۷: ۲۶۵). ولی در نهایت قرارداد به سرانجامی نرسید و ملغی شد و به دنبال آن بریتانیا برای ادامه حیات سیاسی، نظامی و اقتصادی خود در ایران دست به طراحی کودتای سوم حوت ۱۲۹۹ ش توسط رضاخان زد و به نوعی دیگر سلطه خود را بر مردم ایران اعمال نمود.

نظر کرزن درباره روس‌ها

لرد کرزن فصل سی‌ام کتاب خویش (ایران و قضیه ایران) را به روسیه اختصاص داده و روابط روس و انگلیس را بررسی نموده و نظر خود را درباره روس‌ها بیان نموده است. وی اعتقاد داشت عواملی منافع روس‌ها را بدون تردید با مصالح ما در شرق مورد اصطکاک قرار می‌دهد، روسیه در ایران وضعی ممتاز دارد و قدرت سرشار و ابهت بسیار در دربار ایران برای خود دست و پا کرده است، روس‌ها در ایران مقاصد را دنبال می‌کنند، آنان سرزمین ایران را قطعه قطعه و بعضی‌ها را با جنگ آشکار و بعضی را با تهدید و فشار به دست می‌آورند (کرزن، ۱۳۶۷، ۲: ۷۰۰). وی عنوان می‌کند با این‌که روس‌ها با دو قرارداد گلستان (۱۸۱۳م) و ترکمن‌چای (۱۸۲۸) سرزمین‌های بسیاری در ایران به چنگ آورده‌اند اما جریان دست‌اندازی بر اراضی با عقد قرارداد هنوز ادامه دارد و تا این لحظه قطع نشده است و رخنه تدریجی روس‌ها ادامه دارد، آنان به خاطر موقعیت ممتاز خود نقشه‌های تجاوزکارانه‌ای را دنبال می‌کنند، روسیه ایران را وجودی محتضر تلقی می‌کند، گاهی آن را مورد نوازش قرار می‌دهد اما طالب بقای وی نیست (کرزن، همان: ۷۰۶). روسیه تجزیه ایران را در آینده به همان نحو و روالی مقدور می‌پندارد که سرنوشت لهستان نشان داده است و از قرار معلوم عزم خویش را هم جزم کرده که در صورت تجزیه چند قسمت کلان و مختتم ایران را به دست آورد، آنان دنبال الحاق سراسر شمال ایران، آذربایجان، گیلان، مازندران و خراسان هستند به‌خصوص خراسان که مقدمه تصرف هرات است (کرزن، همان: ۷۱۱).

اشتهای حکومت تزاری در کار جهانگیری فقط به همان سامان محدود نمی‌شود و چون بحد کافی از دست‌اندازی بر نیمی از غنایم ایران خشنود نیست، نظری هم به جانب جنوب دارد و آرزومند یافتن راهی به خلیج فارس و اقیانوس هند است جنب و جوش‌هایی را که سابقاً در امتداد مرزهای جنوبی و شرقی خراسان نموده و نمایندگان آنان در خارج از حریم مشروع نفوذش در

شمال ایران و آزمایش‌هایی که بر سبیل امتحان در پیشرفت به جانب سیستان نموده است. در واقع توجیهی جز این ندارد که روسیه در صدد است پایه‌های قدرت بریتانیا را در جنوب ایران سست و در کار دریاهای جنوبی اعمال نفوذ کند و پایگاهی برای عملیات بحری خویش فراهم سازد، این منظور هم به یکی از دو طریق قابل حصول است؛ یا باید روس با عثمانی گلاویز شود و بغداد را تصرف کند و یا از راه ایران خود را به خلیج فارس برساند، که از این دو شق دومی بیشتر مایه امیدواری است و خطر کمتری دارد و جذبه‌هایی از این جانب کار هست که پیوسته و به صورت غیرقابل مقاومتی موجب جلب توجه روس‌ها است (کرزن، همان: ۷۱۲). برای اثبات این مسئله که روس‌ها قصد دست‌اندازی بر خلیج فارس را دارند و باید جلوی آنان سد شود عنوان می‌کند خوب است از وزارت خارجه در سن پترزبورگ تحقیق شود که آیا در موقع طرح‌کردن نقشه محرمانه کوروپاتکین (فرمانده روسی ناحیه ترکستان که نقشه سری در مورد نفوذ به هند، آسیای میانه و خلیج فارس را در سال ۱۸۸۵ م مطرح نمود) و عهدنامه محرمانه او نیز با پادشاه ایران امضاء و یا مذاکره نشده بود که بعد از پیشروی نیروی روس در خراسان که قرار بود بندرعباس به روسیه واگذار شود و آیا امتیاز اخیر خط آهن که نمایندگان روس جهت به دست‌آوردن آن در تهران تلاش داشتند متضمن شرط دست‌یابی بر مخرجی بحری در چاه‌بهار بر ساحل بلوچستان ایران نبوده است؟ (کرزن، همان: ۷۱۲).

لازم به ذکر است که روس‌ها با تأسیس کنسولگری به سال ۱۲۶۰ ش / ۱۸۸۱ م در بصره اولین قدم اساسی را برای توسعه و گسترش نفوذ خود در خلیج فارس برداشتند، در سال‌های ۱۸۸۴ تا ۱۸۸۸ م فعالیت روس‌ها بیشتر می‌شود و علناً اقداماتی را انجام می‌دهند. یکی از جالب‌ترین فعالیت‌های روس‌ها بازدید کاپیتان «فونبلومور» از اصفهان، شیراز و بوشهر است. نامبرده از افسران گروه قزاق بود که به عنوان بازرس از منطقه بازدید به عمل آورد (جناب، بی‌تا: ۱۱۴). اولین نشانه توجه روس‌ها به استراتژی خلیج فارس بازدید یک مهندس ورزیده روسی بود که از طریق کرمان عازم بندرعباس شد و در بهار ۱۲۷۴ ش / ۱۸۹۵ م قدم به جزیره هرمز گذارد و از آن‌جا گزارش جامعی تنظیم و ارائه کرد. روس‌ها از این زمان علاقه زیادی به دهانه خلیج فارس و جزیره هرمز پیدا کردند و در سال ۱۸۹۶ به بهانه مبارزه با طاعون گروه‌های پزشکی متعددی به بوشهر، بندرعباس و هرمز گسیل داشتند و مشخص بود که مرکز توجه آن‌ها تنگه هرمز است، آنان به فکر بودند که در اولین فرصت ممکن در بوشهر نیز یک گروه قزاق مستقر و به تأسیس یک اردوی دائمی ضد طاعون اقدام کنند (ویلسن، ۱۳۶۶: ۲۹۸).

در اواخر قرن ۱۹ میلادی روس‌ها همزمان با سایر فعالیت‌ها برای توسعه نفوذ خود به فکر ایجاد یک پایگاه دریایی در خلیج فارس بودند و حتی طرحی برای اتصال راه‌آهن سراسری روسیه به این

بندر که ممکن بود بندر چاه‌بهار باشد داشتند، گروهی در پوشش هیات جغرافیایی برای بررسی مسیر راه‌آهن نیز از روسیه به ایران گسیل شدند (الهی، ۱۳۸۲: ۷۵). وام‌دادن روس‌ها به ایران، به دست‌آوردن امتیاز احداث راه‌آهن، به دست‌آوردن و ایجاد پست‌های قرنطینه و بهداشتی و ایجاد کنسولگری‌های متعدد در ایران و نفوذ روس‌ها در عمان و مسقط و توجه آنان به بحرین و کویت از اقدامات و کوشش‌های دیگری بود که روسیه در منطقه خلیج فارس در این دوره انجام داد.

این مسائل کرزن را بسیار ناراحت کرد. وی در مورد روس‌ها اعتقاد دارد که آن‌ها نقشه‌های دور و درازی در مورد ایران در سر دارند و با وضعیت مستحکمی که در ایران دارند به این اهداف دست می‌یابند، نمایندگان و ماموران روسی در ایران لحن دیکتاتورماناانه دارند و ترس و هیبت تولید می‌کنند، حتی سرکنسولی برای شهر مشهد انتخاب نمودند بدون این‌که دولت ایران را در جریان قرار دهند و روانه‌ای از دولت ایران صادر شده باشد. روس‌ها در اظهار نظرهای خود در مورد ایران پاک بی‌باکند، اعمال تحریک‌آمیزی انجام می‌دهند و غالباً مشت آنان باز می‌شود و این رفتارهای تحریک‌آمیز به منافع آن دولت لطمه می‌رساند. پیشرفت بی‌باکانه آنان امروزه در ایران با قبل قابل قیاس نیست، امروزه مداخله روس‌ها در ایران زیاد است، در مقابل بسیاری کارها و فعالیت‌های اروپائیان موضع می‌گیرند از قبیل مخالفت با اصلاحات، جلوگیری از بوجودآمدن پست توسط اتریشی‌ها خصوصاً پست بین‌المللی در ایران، مخالفت با تأسیس بانک شاهی در ایران و می‌توانم بگویم در بیست سال اخیر هیچ طرح و پیشنهادی در ایران برای اصلاح اقتصادی و مادی به میان نیامده که روسیه با آن مخالفت ننموده باشد و یا در اثر سرسختی دولت تزاری از بین نرفته باشد (کرزن، همان ۷۱۵ و ۷۱۶).

این اظهار نظرها از جانب لرد کرزن بیان‌گر آن است که روس‌ها با بسیاری از اقدامات انگلیسی‌ها مخالفت می‌نموده و جلوگیری بوده‌اند به این خاطر وی عنوان می‌کند: هدف روس‌ها نجات ایران نیست بلکه در صدد انداختن زنجیر انقیاد هرچه سخت‌تر برگردن ایران هستند نه این‌که ایران همدستی نافع باشد بلکه باید راه انحطاط و انقراض ببیماید. هدف آنان کارشکنی در امور مربوط به ایران است تا راه خود را به خلیج فارس باز کنند و تجارت قدیمی حوزه شرق نزدیک و مدیترانه را احیاء کنند و به سوی هند که که انبار گنج‌های جهان است پیش بتازند. به هر صورت کرزن نسبت به نقش آنان در آسیا بسیار مظنون بود، پیتر آوری می‌نویسد: لرد کرزن در دوره نیابت سلطنت خود برهند (۱۹۰-۱۸۸۹ م) نسبت به نقش روسیه مشکوک بود (آوری، ۱۳۶۹: ج ۱، ۲۵۴).

نظرات کرزن در مورد خلیج فارس

لرد کرزن به خلیج فارس توجه ویژه‌ای داشت و آن را دریای انگلیسی می‌نامید. یکی از دلایل نگاه

او به خلیج به جهت جلوگیری از نفوذ فرانسه و روسیه و در نهایت ممنوعیت افزایش نفوذ آلمان‌ها در مراحل بعدی بود، دولت فرانسه روزگاری دوست و متحد روس‌ها محسوب می‌شد و یک بندری برای بارگیری ذغال‌سنگ برای سوخت کشتی‌های خود از حکومت مسقط در سواحل آن مملکت به دست آورده بودند. کرزن اعتقاد داشت هیچ‌یک از دولت‌های اروپایی حق مداخله در مسقط را ندارند حکومت مسقط در تحت اوامر دولت انگلستان است و دولت انگلیس به آن‌ها مقرری می‌دهد و سیاست خارجی آن دولت را انگلیس معین می‌کند و دولت انگلیس اجازه نخواهد داد هیچ‌یک از دول اروپایی به قصد استعمار در آن‌جا قدم گذارند (کرزن، همان، ج ۲/ ۷۱۸). چون یک فرمانده نیروی دریایی فرانسه وارد مسقط شده بود این مسئله باعث اختلافات انگلیس و فرانسه شد، انگلیسی‌ها که از ورود فرانسوی‌ها به خلیج فارس واهمه زیادی داشتند امام مسقط را وادار کردند که قرارداد با فرانسه را ملغی کند. مسأله دیگری که انگلیسی‌ها را نگران می‌ساخت و باعث توجه مضاعف کرزن به خلیج فارس گردید بحث کویت بود که در طرف غربی خلیج فارس واقع شده بود و بر آبراه بزرگ اروندرود (شط‌العرب) قرار داشت هم کرزن و هم سالزبوری هر دو مایل بودند که آن‌جا تحت حمایت انگلیس درآورند و شیخ مبارک (۱۸۹۶ تا نوامبر ۱۹۱۵ م) برای این‌که از عثمانی‌ها خلاصی یابد با هر پیشنهاد دولت انگلیس موافق بود، البته انگلیسی‌ها راه ورود وی به قدرت را با مرگ مشکوک برادرش هموار کرده بودند.

کرزن دشمن اصلی حضور ایران در خلیج فارس بود وی دائماً به لندن نامه می‌نوشت و ایران را دشمن اصلی معرفی می‌نمود و راهکارهای متفاوت و مختلفی را برای محدود کردن ایران در خلیج فارس ارائه می‌نمود حتی زمانی‌که موضوع ترانسوال در فریقای جنوبی و شورش بوئرها به رهبری «کروگر» بوجود آمده بود وی نامه‌ای به لندن نوشت و عنوان نمود مسأله کروگر چندان قابل اهمیت نیست، این شخص در حکم حبایی در دریا است و بزودی محو خواهد شد، مسأله اصلی ایران و خلیج فارس است و هر روز و ماه و سال که می‌گذرد این مسأله اهمیت بیشتری پیدا می‌کند.

در رابطه با حضور روس‌ها در ایران و خلیج فارس و همکاری‌های ایران با روس‌ها کرزن اعتقاد داشت به زودی روس‌ها در استانبول، کابل و خلیج فارس استیلا خواهند یافت و ناپیستی به روس‌ها اجازه داد از محل‌هایی که فعلاً در اختیار دارند بیشتر جلو آیند، کابینه لندن بایستی به استفاده از اسلحه متوسل شود. وی نامه‌ای به لندن نوشته و عنوان کرده که مسأله ایران بایستی اصل مسلم سیاست پادشاهی انگلستان شناخته شود و دولت انگلیس نه‌تنها به روس‌ها بلکه به هیچ دولت اروپایی اجازه نخواهد داد نواحی شمالی و مرکزی ایران را لگدمال نموده خود را به خلیج فارس برساند و یا بخواهد تسهیلاتی برای بحر پیمایی خود در خلیج فارس قائل شود ولو این‌که هیچ نوع نظر استعماری نداشته باشد. سیاست کرزن در خلیج فارس آن بود که از نفوذ هر دولتی جلوگیری

کند، وی اعتقاد داشت نه تنها خلیج فارس بلکه ممالک اطراف آن نیز که تا سرحد هندوستان امتداد دارد باید از نفوذ خارجی دور بماند.

فکر هجوم روس‌ها به هند، کرزن را همیشه ناراحت می‌داشت، البته حق هم داشت به هر صورت هر تهاجمی از جانب روس‌ها از طریق خراسان و تنگه خیبر یا نواحی جنوبی مانند سیستان امکان‌پذیر بود، به همین خاطر می‌نویسد: اگر روس‌ها بخواهند مشهد را تصرف کنند یا در آن‌جا دست به تصرفات بزنند من نیز کاملاً حاضرم که در جنوب ایران عمل کرده و فوری یک عده قشون فرستاده بندرعباس را تصرف خواهم نمود یا بوشهر و محمره (خرمشهر)، بلکه هر سه نقطه را به تصرف خود خواهم گرفت آن وقت مسأله ایران حل می‌شود (کرزن: ج ۲، ۲۰۶). گویا دربار لندن اعتقاد داشتند در رابطه با خلیج فارس بایستی سدبندی قسمت به قسمت صورت پذیرد، کرزن اذعان می‌دارد من به اصول سدبندی قسمت به قسمت عقیده ندارم، سیستان را بایستی در دست داشته باشیم برای حفظ خلیج فارس، بعد روس‌ها کرمان یا اصفهان را در دست بگیرند برای این‌که به خلیج فارس برسند بعد دولت انگلیس دزفول را بگیرد برای حفظ شط العرب، همانطور که تکرار کرده‌ام ما باید تمام جنوب ایران را مسدود نمائیم یا این‌که دست از بازی کشیده کنار برویم، وی اشاره می‌کند واگذاری یکی از بنادر خلیج فارس به روسیه اشتباه بزرگی است. این واگذاری از طرف هردولتی که می‌خواهد باشد من آن را یک توهین بزرگ عمدی فرض خواهم نمود که نسبت به بریتانیای کبیر شده است و یک تحریکی است که از روی عمد و سوءقصد به عمل آمده می‌خواهد اوضاع را برهم زده آتش جنگ را مشتعل کند، نه تنها خلیج فارس بلکه ممالک اطراف آن تا سرحد هندوستان باید از نفوذ خارجی ایمن بماند، این همان سخنی است که وزیر امور خارجه بریتانیا در طی صحبت خود در مجلس لردها بیان نموده و اظهار داشته بود: «من بدون تأمل می‌گویم که ما تأسیس یک ایستگاه دریایی یا یک بند محصون و بارودار را در خلیج فارس به وسیله هر دولتی باشد باید یک تهدید جدی برای منافع بریتانیا بدانیم و بایستی با تمام وسایل ممکنه‌ای که در دسترس داریم از وقوع آن جلوگیری نماییم (سایکس، ۱۳۷۰، ج ۲: ۵۴۴). حاجت به بیان نیست که در زمان تصدی مقام نیابت سلطنت هند توسط لرد کرزن ازدیاد منافع را در ایران تحت نظر قرار می‌داد، به همین سبب کنسولگری‌های جدیدی در ایران تأسیس نموده و یک میسیون بازرگانی به جنوب شرقی ایران فرستاد و با تمام وسایل ممکنه تجارت بریتانیا را ترویج نمود و از آن پشتیبانی می‌نمود و به وسیله همین اقدامات بود که حیثیت و اعتبار بریتانیا در ایران را به تدریج عودت نمود (همان: ۵۴۵).

البته روس‌ها فعالیت‌های خود را در خلیج فارس افزایش داده و از سال ۱۹۰۰ م تلاش داشتند یک انبار ذغال‌سنگ در بندرعباس به دست آورند و در همان سال نقشه‌برداری برای راه‌آهن که به چهار بندر مهم خلیج فارس (بوشهر، خرمشهر، بندرعباس و چابهار) و سواحل ایران را آغاز کرده

بودند. افکار روسیه نیز در این باب آماده شده بود روزنامه‌های روسیه نیز مقالاتی را در این باره نوشتند، یک کشتی جنگی روس‌ها در خلیج فارس داخل شطالعرب گردید و تا بصره پیش رفت، در سال ۱۹۰۱ نیز یک کشتی روسی به مسقط، بندرلنگه، بوشهر و بندرعباس سفر کرد و کشتی فرانسوی نیز در آب‌های خلیج فارس پیدا شد، علاوه بر این که کنسولگری‌های روسیه نیز در نواحی جنوبی ایران افزایش یافت و تجارت آن دولت رونق گرفت (محمود، ج ۵: ۴۲۱) کرزن مخالف سیاست سکوت و ترس بود و اصرار داشت در مقابل هریک از این نمایشات که از طرف روس‌ها داده می‌شود از طرف انگلیس هم باید اقدامات متقابل به عمل بیاید و بایستی به طور دائم کشتی‌هایی به خلیج فارس اعزام شود و کنسولگری انگلیس در همه‌جا برقرار گردد. این اعمال صورت پذیرفت و نقشه‌برداری راه‌ها و جزایر و بندرگاه‌ها انجام شد، کشتی‌های جنگی به تردد کامل مأمور شدند، ساخلو (پادگان)‌های نظامی در همه‌جا بوجود آمد و کابل‌های تلگراف تحت‌البحری در خلیج فارس زیاد گردید. این‌ها از جمله کارهایی بود که لرد کرزن انجام داد.

مسافرت جنگی کرزن به خلیج فارس

از سال ۱۹۰۱م، لرد کرزن اصرار داشت که برای افزایش نفوذ دولت انگلیس در خلیج فارس با یک گروه از ناوهای جنگی به خلیج فارس مسافرت کند و بنادر و سواحل آن را با جلال و شکوه گردش کند و قدرت انگلیس را استمرار بخشیده و با انعقاد قراردادهایی حکام و شیوخ خلیج فارس را تابع کامل دولت خود کند. لندن این مسافرت را برای سیاست انگلستان خطرناک می‌دانست و موافقت نمی‌کرد. در سال ۱۹۰۳ م پس از این که اتابک صدراعظم ایران با دسیسه انگلیسی‌ها برکنار شد و مسئله بوئرها در آفریقا برای انگلیسی‌ها تمام شد و همچنین لرد سالزبوری که مخالف برخی اقدامات لرد کرزن بود به علت بیماری استعفا کرد و لرد بالفور در سال ۱۹۰۲ به صدارت رسید فعالیت‌های کرزن افزایش یافت، با جدیت کرزن در اعلامیه مشهور بالفور به خلیج فارس اشاره شد و قید شد که «دولت پادشاهی انگلستان برقراری یک بندر بحری در سواحل خلیج فارس را بالاترین تجاوزی خواهد شناخت که نسبت به منافع دولت انگلستان شده است و از این تجاوزات با تمام وسایل خود که در اختیار دارد جلوگیری خواهد نمود (محمود، ج ۶: ۲۸۶).

هدف کرزن از مسافرت دریایی و جنگی به خلیج فارس به رخ کشیدن و ترساندن شیوخ حول خلیج و خط و نشان کشیدن برای دولت ایران بود. وی بسیاری از شیوخ عرب منطقه را به کشتی خود دعوت کرد و در آن مجلس نطقی ایراد کرد و عنوان نمود این آب‌ها همیشه ناامن و مغشوش بوده، ما امنیت را در این‌جاها برقرار کردیم، اینک در هربندر از بنادر این خلیج اتباع پادشاه انگلستان ساکن و مشغول تجارت می‌باشند، ما پشت دروازه‌های شما قرار داریم و شماها را از محو و زوال که همسایگان شما

(ایران و عثمانی) برای شما تهیه دیده بودند نجات دادیم، ما استقلال شما را از بین نبردیم بلکه آن را حفظ کردیم، ما این زحمت و رنج فوق‌العاده را در عرض یک صدسال کشیده و تحمل نموده‌ایم و امروز نخواهیم گذاشت به رایگان از دست برود، امنیت و صلح و سلامتی این آب‌ها باید تأمین گردد و نفوذ دولت انگلستان در خلیج فارس باید بالاتر از هر نفوذی قرار گیرد (کرزن، ج: ۲، ص: ۳۱۴).

سیاست‌های تجاوزطلبانه کرزن در خلیج فارس

- ۱- وی اعتقاد داشت تمامی شیوخ و حکومت‌های منطقه از جمله حکومت ایران باید دست‌نشانده و تابع سیاست‌های انگلستان و دولت انگلیسی هند باشند.
- ۲- وی اعتقاد داشت روس‌ها و دیگر اروپائیان هیچ حقی در خلیج فارس ندارند و چنان‌چه با فشار نظامی خواسته باشند به جنوب ایران نزدیک شوند باید نواحی شمالی ایران را به روس‌ها واگذار نمود تا به جنوب ایران چه به صورت نظامی و چه به صورت قانونی با انعقاد قراردادهایی با دولت ایران نتوانند دسترسی پیدا کنند، عملی که در قرارداد ۱۹۰۷ م روسیه و انگلیس صورت پذیرفت و ایران را مناطق تحت نفوذ خود تقسیم کردند یکی از افرادی که در انعقاد قرارداد ۱۹۰۷ تجزیه ایران نقش بسیار مهمی داشت لرد کرزن بود.
- ۳- وی با نوشتن دو جلد کتاب (ایران و قضیه ایران) در صدد رسواسازی حکومت قاجار بود که همین‌طور هم شد و بعد از انتشار این کتاب ایران اعتبار سیاسی خود را در بین ملل جهان در آن زمان از دست داد.
- ۴- وی در صدد بود که ایالات جنوبی ایران کلاً از تصرف ایران خارج شود و به این وسیله نفوذ ایران در خلیج فارس بکلی از بین رود که عملاً با قرارداد ۱۹۰۷ م با روسیه این اتفاق افتاد.
- ۵- کرزن مانع از ایجاد راه‌آهن هندوستان - خرمشهر گردید، این راه‌آهن قرار بود از بوشهر در جنوب ایران در مرحله اول آغاز شود و از راه خشکی تا کراچی ادامه یابد، از راه بوشهر بندر لنگه، بندرعباس، جاسک و گوادر و از آن‌جا به کراچی کشیده شود که کرزن اعلام نمود این راه مفید فایده نخواهد بود چون که این ناحیه فاقد تمام وسایل حیاتی است و مناسب ناست، این راه مخارج زیادی نخواهد داشت که راه‌آهن از آن عبور کند و فایده‌ای از آن مترتب نیست و به حال ایران مفید نخواهد بود و برای انسان نیز از حیث سلامتی مضر و خطرناک است (محمود، ج: ۵، ص: ۶۱).

سیاست‌های تنش‌آفرین کرزن در خلیج فارس

لرد کرزن در زمان مسافرت دریایی پردبده و پرهیمنه خود به خلیج فارس، زمانی که رهبران برخی قبایل و شیوخ منطقه را به کشتی خود دعوت نمود درباری با تجملات تمام بر پا داشت، وی شرحی از رابطه

پلتیکی (سیاسی) بین هند و مسقط که متجاوز از یک قرن برقرار است بیان نمود و عنوان نمود بین هند و عمان ۹ معاهده بسته شده که تمامی آن معاهدات دو مملکت را با عقده‌های محکم به هم وصل کرده‌اند و نیز در مواقع بسیاری از عمان حمایت به عمل آمده است و همیشه از حمایت ما بر خوردار خواهد بود و نشان درجه اول ستاره هند را به نام پادشاه انگلیس سلطان عمان دریافت خواهد نمود، محمود محمود می-نویسد کرزن عنوان نمود: در این آب‌ها در ایام اخیر ما بیش از هر کس روی خود را نشان داده‌ایم، در آن ایام این جاها نا امن بود ما امنیت برقرار کردیم در آن تاریخ تجارت ما و زندگی شما مورد تهدید بود و این مسئله محتاج به ایجاد امنیت بود اینک در هربندری از بنادر این خلیج اتباع پادشاه انگلستان ساکن و مشغول تجارت می-باشند. امپراطوری معظم هندوستان که حفظ آن بر ما واجب است در مجاورت شما و پشت دروازه‌های شما واقع است، ما شما را از محو و زوالی که همسایگان شما (منظور ایران و عثمانی) برای شما تهیه دیده بودند نجات دادیم ما این آب‌ها را بر روی کشتی‌های تمامی ملل مفتوح نمودیم، ما استقلال شما را از بین نبرده بلکه آن را حفظ کردیم و... (محمود، بی‌تا، ج ۴۴۷:۵). کرزن با این سخنرانی و دادن هدایای بی‌شمار و نشان و مدال ستاره هند به شیوخ منطقه و وابسته‌نمودن آنان به سیاست‌های انگلیس در صدد ایجاد تفرقه بین مردم منطقه است. وی حیل‌های بسیاری در جهت تطمیع حکام منطقه انجام داد. در همین سفر کرزن به کنسول‌خانه انگلیس در مسقط رفت و در جواب اهالی هند ساکن مسقط از رونق تجارت هند در عمان که به صدی هشتاد و پنج در کلیه امور بازرگانی با عمان ذکر می‌کرد، وی پس از آن عازم کویت شد و در آن شیخ‌نشین، آنان را امیدوار به پشتگرمی انگلستان نمود، با تمام تلاش‌هایی که انجام داد نتوانست علاءالدوله فرمانفرمای فارس را وادار سازد که به کشتی انگلیس وارد شود، علاءالدوله عنوان نمود وی به کاخی در بوشهر وارد شود تا به ملاقاتش برود این مسئله باعث گردید هیچ‌گونه ملاقاتی صورت نپذیرد جالب‌تر این که حکمران فارس از انگلیسی‌ها در خواست کرد همان‌گونه که برای کرزن ۳۰ تیر توپ شلیک کرده‌اند برای او نیز چنین کنند ولی ناخدای انگلیسی حاضر به شلیک بیش از ۱۹ گلوله توپ برای علاءالدوله نبود لذا ملاقات صورت نپذیرفت و این امر نشان از اقتدار دولت ایران در مقابل انگلیسی‌ها و شیوخ منطقه دارد. حکمرانان منطقه کرزن را بزرگ داشته بودند اما ایران وی را نپذیرفت و به سیاست‌های او در خلیج فارس معترض بودند چون دیدار وی از خلیج از اعتبار ایران کم می‌نمود و به اعتبار حکام منطقه و انگلیس می‌افزود. کرزن از رفتار ایرانیان بسیار ناراحت بود در مجموع وی توانست با برخی حکام قراردادهای جدیدی به امضاء برساند و دایره تجارت خود را گسترش دهد و شوکت دولت انگلیس را در بنادر خلیج فارس به چشم مردم منطقه و حکام جلوه دهد. او با توزیع هدایای بی‌شمار می‌خواست آنان را به هدایا و تمول انگلیس دلبسته نموده و فریب دهد که در این کار توفیقی نیز حاصل نمود.

سیاست ایران در رابطه با نقش روس‌ها در خلیج فارس

سیاست ایران نیز در دوره قاجاریه آن بود که با بازکردن دست روسیه در خلیج فارس از یکه‌تازی انگلیسی‌ها در خلیج فارس که اشتباهی سیری‌ناپذیری برای تسلط بر جنوب ایران داشتند جلوگیری نمایند. دولت ایران در صدد بود با میدان‌دادن به روس‌ها در نواحی جنوبی روس و انگلیس را از یکدیگر بترساند و در مقابل یکدیگر قرار دهد، دولت‌مردان ایرانی فکر می‌کردند با آمدن روس‌ها به خلیج فارس تغییری در الگوی آن دریا که به نفع انگلیسی‌ها در جریان بود تغییر خواهند داد چون حضور یک قدرت بدون رقیب در خلیج برای ایران خطرناک بود بنابراین دولت ایران سعی در تجدید حاکمیت از دست‌رفته خود در خلیج فارس با کمک روس‌ها داشت. سیاست ایرانی‌ها در خلیج فارس و تمایل نشان‌دادن به روس‌ها که خود ناصرالدین‌شاه و آتابک صدراعظم ایران در آن بی‌نقش نبودند و مدتی به سردی با انگلیسی‌ها برخورد داشتند و ارتباطشان را کم کرده بودند، این بازی دو گانه‌ای که قاجارها در خلیج فارس و نواحی جنوبی ایران ایفا کردند اقدام خوبی بود که انجام دادند چون به هر حال روس‌ها به جنوب ایران و خلیج کشیده شده بودند و ایران نمی‌توانست در مقابل آن‌ها کاری انجام دهد اما سیاست اتخاذشده و واگذاری مناطقی توسط دولت قاجار در جنوب به روس‌ها باعث شد انگلیسی‌ها در مقابل طرح روسی‌شدن خلیج فارس به شدت ایستادگی کنند و با این عمل انگلیسی‌ها خواسته یا ناخواسته به ایران کمک نمودند چون ممانعت از نفوذ روس‌ها در خلیج فارس باعث جلوگیری از از بین رفتن امنیت ملی ایران شد، اگر روس‌ها در دوره قاجار از طریق زمینی و ایران به خلیج دست می‌انداختند و دارای نفوذ می‌شدند دیگر هرگز حاضر نمی‌شدند از راه زمینی و دریای آزادی که به دریاهای جهانی راه داشت به سادگی دست بردارند. تاریخ نشان می‌دهد، روس‌ها در زمانی که می‌خواستند در دوره فتح‌علی‌شاه به گرجستان و قفقاز حمله کنند چند قرارداد نافرجام را پیش کشیدند یکی در زمان سقوط صفویه شاه‌طهماسب دوم در اوت ۱۷۲۳ م اسماعیل بیک را به عنوان سفیر برای کمک خواستن از روس‌ها فرستاد اوسترمان نماینده روسیه در مذاکرات تمام پیشنهادات خود را از جمله واگذاری تمامی شهرهای قفقازیه و گیلان و مازندران را در قراردادی قصد داشت به ایران تحویل کند، گرچه این قرارداد را نماینده ایران امضاء کرد و خود به ایران بازنگشت اما شاه طهماسب از امضای آن خودداری کرد (تاجبخش، ۱۳۷۲: ۴۷۷) اما روس‌ها آن قرارداد را لازم‌الاجرا می‌دانستند. در دوره زندیه نیز علی مراد خان زند در مقابل آقامحمدخان قاجار از روس‌ها تقاضای کمک کرد و قبول کرد چنانچه روس‌ها او را به رسمیت بشناسند وی تمام ایالات ماوراء ارس را به روسیه واگذار کند. این‌ها بهانه لازم را به روس‌ها داد که در زمانی که این نواحی را تصرف کردند با این که وعده و وعیدهای شفاهی برای عقب‌نشینی از سرزمین‌های ماوراء رود ارس بعد از عهدنامه ترکمن‌چای دادند ولی هیچ‌گاه عملی نکردند. تصرف

نواحی شمالی ایران در جنگ‌های اول و دوم جهانی نشان داد که روس‌ها حاضر نیستند به سادگی ایران را تخلیه کنند با این‌که در جنگ جهانی دوم در کنفرانس تهران (ششم آذر ۱۳۲۲ ش / ۲۸ نوامبر ۱۹۴۳ م) که سران سه کشور متفقین امضاء کرده بودند که پس از جنگ ایران را تخلیه نموده و استقلال و تمامیت ارضی ایران را به رسمیت شمارند اما روس‌ها حوادث زیادی را رغم زدند تا آذربایجان و کردستان را جدا کنند و به خلیج فارس نزدیک شوند اما با وعده امتیاز نفت شمال و سیاست‌های خاص قوام‌السلطنه که مستظهر به پشتیبانی آمریکایی‌ها بود عقب نشستند به هر صورت در دوره قاجار اگر روس‌ها به آب‌های گرم خلیج دست می‌یافتند هرگز حاضر به تخلیه نمی‌شدند. بنابراین اعمالی را که دولت ایران انجام داد چه حساب‌شده و از روی تدبیر و چه ناخواسته باعث شد که لرد کرزن نهایت تلاش خود را برای جلوگیری از نفوذ روس‌ها به خلیج فارس انجام دهند و کاری را که دولت ایران هرگز نمی‌توانست انجام دهد توسط انگلیسی‌ها انجام پذیرد. گرچه تمامی اقدامات کرزن در اطراف حفظ مستعمره بزرگ هند رقم می‌خورد اما خالی از فایده برای ایران نبود و به خاطر حفظ هندوستان ایران اهمیت پیدا کرد و دارای برخی از مظاهر تمدنی فرهنگ غرب از جمله خط تلگراف و غیره گردید.

نتیجه‌گیری

لرد کرزن که مدت‌ها نایب‌السلطنه انگلیس در هند بود اقدامات بسیاری را در جهت حفظ هندوستان در ایران انجام داد گرچه ایرانیان از اقدامات وی در خلیج فارس که منجر به ضعیف‌شدن ایران شد ناراضی بودند اما خواسته یا ناخواسته اقداماتی که وی در جهت منافع کشور متبوع خود انجام داد به نفع ایران نیز تمام شد. وی توانست دست روس‌ها را از خلیج کوتاه نماید، سیاست خزنده‌ای که روس‌ها در جهت نفوذ در جنوب ایران پیش گرفته بودند و دولت‌مردان ایرانی نیز برای ترساندن انگلیسی‌ها گاه‌ها با آنان همکاری می‌کردند بسیار خطرناک بود. اگر روس‌ها موفق می‌شدند با انعقاد قرارداد یا با زور و قدرت اسلحه به جنوب ایران دست یابند عقب‌راندن آنان هرگز امکان‌پذیر نبود و چه بسا سرزمین‌هایی در غرب و جنوب ایران مانند سرزمین‌هایی که در ماوراء رود ارس به دست آوردند، هرگز به ایران مسترد نمی‌کردند و ما امروز داغ جدایی قسمتی‌هایی دیگر از خاک ایران را بر دل داشتیم. اقدام لرد کرزن هرچند منجر به قرارداد مصیبت‌بار ۱۹۰۷ میلادی گردید ولی باعث شد نواحی جنوبی و ساحلی ایران در جنوب به دست روس‌ها نیفتد که این خود شانس مهمی بود که ایرانیان به دست آوردند.

منابع

- آوری، پیتر (۱۳۶۹) تاریخ معاصر ایران از تأسیس تا انقراض سلسله قاجاریه، ترجمه محمد رفیعی مهر آبادی انتشارات عطایی، تهران
- آوری، پیتر و دیگران (۱۳۸۷) تاریخ ایران کمبریج (دوره افشار، زند و قاجار) ترجمه مرتضی ثاقب فر، انتشارات جامی، تهران
- الهی، همایون (۱۳۸۲) خلیج فارس و مسایل آن، چهفتم، نشر قومس، تهران
- تاجبخش، احمد (۱۳۷۲) تاریخ صفویه، انتشارات نوید، شیراز
- پاتینجر، هنری (۱۳۸۷) سفرنامه سند و بلوچستان، ترجمه شاهپور گودرزی، تهران
- جناب، محمد علی (بی تا) خلیج فارس نفوذ بیگانگان و رویدادهای سیاسی ۱۹۰۰-۱۸۷۵ م، پژوهشگاه علوم انسانی، تهران
- ذوقی، ایرج (۱۳۶۸) تاریخ روابط سیاسی ایران و قدرتهای بزرگ ۱۹۲۵ - ۱۹۰۰ م، انتشارات پاژنگ، ج ۱، تهران
- سایکس، سرپرسی مولسورث (۱۳۷۰) تاریخ ایران، ترجمه سید محمدتقی فخرداعی گیلانی، دنیای کتاب، تهران
- سایکس، سرپرسی مولسورث (۱۳۶۳) سفرنامه ده هزارمیل در ایران، ترجمه حسین سعادت نوری، انتشارات لوحه، تهران
- شمیم، علی اصغر (۱۳۷۰) ایران در دوره سلطنت قاجار، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران
- کرزن، جرج. ن (۱۳۶۷) ایران و قضیه ایران، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، چ ۳، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران
- محمود، محمود (بی تا) تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در قرن نوزدهم، جلد ۵ و ۶، شرکت نسبی اقبال و شرکاء، تهران
- لکهار، لارنس (۱۳۶۸) انقراض سلسله صفویه و ایام استیلای افغانه بر ایران، ترجمه مصطفی قلی عماد، انتشارات مروارید، تهران
- ویلسن، آرنولد (۱۳۶۶) خلیج فارس، ترجمه محمد سعیدی، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران
- هوشنگ مهدوی، عبدالرضا (۱۳۶۴) تریخ روابط خارجی ایران از ابتدای دوران صفویه تا پایان جنگ جهانی دوم، انتشارات امیر کبیر، چ ۳، تهران

- Ashraf, Ahmad. "CONSPIRACY THEORIES". In Encyclopædia Iranica. vol. VI. 1993.
- Faletine Chirol (1903) The Middle Eastern Question or some problems of Indian Defence. London